

اسلام پژوهش های روان شناختی

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹ (ص ۲۵-۴۰)

رابطه عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین

The relationship between family performance and children's self-concept according to parents' religious attitudes

دکتر سعید زارع بنادکوکوی / کارشناسی ارشد مؤسسه اخلاق تربیت، قم، ایران.
محمد رضا جهانگیرزاده / استادیار روان شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.
مسعود نورعلیزاده میانجی / استادیار روان شناسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Saeed Zare Banadkouki / M.A in Positive Psychology, Institute of Educational Ethics, Qom, iran.

zare.negah@gmail.com

Mohammad Reza Jahangirzadeh / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, iran.

Masoud Noor Alizadeh Mediator / Assistant Professor, Department of Psychology, Shahed University, Tehran, iran.

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between family function and children's self-concept with regard to parents' religious attitude. The method of this study was descriptive-correlational and regression equations were used to investigate the moderating model. The statistical population includes all male and female students of fourth, fifth and sixth grades of Yazd city and their parents who are educated in public and non-public schools. The statistical population of the study was 37000 people. Using Morgan table, 380 people were selected by stratified random sampling. To measure the variables, the Family Functioning Assessment (FAD) scale, the Pierce and Harris Child Self-Concept Scale (CSCS), and the Religious Attitude Questionnaire (RS) were used to collect data. Correlation analysis and regression were used to

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان رابطه عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان با توجه به نگرش مذهبی والدین صورت گرفته است. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده که برای بررسی مدل تعدیلی از معادلات رگرسیونی استفاده گردید. جامعه آماری کلیه دانش آموزان پسر و دختر پایه های چهارم، پنجم و ششم مقطع ابتدایی شهر یزد و والدین آنها می باشند که در مدارس دولتی و غیر دولتی مشغول به تحصیل بودند. ۳۸۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب گردیدند. به منظور سنجش متغیرها از مقیاس سنجش عملکرد خانواده (FAD)، مقیاس خودپنداره کودکان پیرز و هریس (CSCS) و پرسشنامه نگرش مذهبی (RS) برای جمع آوری اطلاعات استفاده گردید. تحلیل

analyze the results. The results showed that parents' religious attitude had a moderating role on the relationship between family function and children's self-concept and the interaction effect of family function with parents' religious attitude on children's self-concept was significant. Also, the sum of family performance variables, parents' religious attitudes and their interactive effects predict 30% of children's self-concept changes. The results also indicated that the correlation matrix and simple and paired variables were significant and each of the variables of family functioning and parents' religious attitude alone could significantly predict children's self-concept. In general, the results of the present study imply the role of family functioning and parents' religious attitudes on the quality of children's self-concept and reinforce (positive moderate) the family's religious attitude toward enhancing children's self-concept.

Keywords: Family functioning, Religious attitude, Self-concept, Moderating role

همبستگی و رگرسیون برای تحلیل نتایج مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین سه متغیر خودپنداره کودکان، نگرش مذهبی والدین و عملکرد خانواده همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که مجموع متغیرهای عملکرد خانواده، نگرش مذهبی والدین و اثر تعاملی آنها ۳۰ درصد تغییرات خودپنداره کودکان را پیش بینی می کنند. نگرش مذهبی والدین در رابطه بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان نقش تعدیل کنندگی دارد و اثر تعاملی عملکرد خانواده با نگرش مذهبی والدین در خودپنداره کودکان معنادار می باشد. به طور کلی نتایج پژوهش حاضر دلالت بر نقش عملکرد خانواده و نگرش مذهبی والدین در کیفیت خودپنداره کودکان داشته و نگرش مذهبی، عملکرد خانواده را در جهت افزایش خودپنداره کودکان تقویت (تعدیل مثبت) می کند.

کلیدواژه ها: عملکرد خانواده، نگرش مذهبی، خودپنداره، نقش تعدیل کننده

مقدمه

خودپنداره^۱ نظام پویایی است که با اعتقادات^۲، ارزش ها، رغبت ها، استعدادها و توانایی های فرد ارتباط دارد. این عوامل از تعیین کننده های مسیر زندگی فرد هستند. خودپنداره ارزیابی کلی فرد از خودش است. این ارزیابی ناشی از ارزیابی های ذهنی فرد از ویژگی های خود است که ممکن است مثبت یا منفی باشد. خودپنداره مثبت^۳ نشان دهنده این است که فرد

1. self concept.

2. beliefs.

3. values.

خودش را در مقام شخصی با نقاط قوت و ضعف می‌پذیرد و این امر موجب بالارفتن اعتماد به نفس او در روابط اجتماعی می‌شود. خودپنداره منفی^۱ منعکس کننده احساس بی‌ارزشی و بی‌لیاقتی و نیز ناتوانی خود است (بونگ و اسکالویک^۲، ۲۰۰۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که خودپنداره با متغیرهای متعدد همچون عملکرد و پیشرفت تحصیلی، خلاقیت، بهداشت روانی، پذیرش همسالان و حمایت اجتماعی، رضایت از خود و شادکامی ارتباط دارد (شعاع کاظمی و مؤمنی جاوید، ۱۳۸۷).

در سال‌های اخیر روان‌شناسان به عواملی که مربوط به تشکیل و تکامل خودپنداره می‌شود، توجه زیادی داشته‌اند. این موضوع حتی برای متخصصان بهداشت روان نیز اهمیت خاصی دارد، زیرا برداشت فرد از شخصیت خود تا اندازه زیادی تصور او را درباره محیطش تعیین می‌کند. اگر تصور از خود مثبت و متعادل باشد، شخص دارای سلامت روان است. بر عکس اگر خودپنداره شخص منفی و نامتعادل باشد، از لحاظ بهداشت روان شخصی ناسالم تلقی می‌شود. خودپنداره اکتسابی است و این نکته برای کسانی که مسئول پرورش فرد یا کودک در اوان زندگی هستند، به ویژه خانواده و والدین اهمیت دارد. واکنش دیگران، مقایسه با دیگران، نقش‌های اجتماعی و همانندسازی از عوامل مؤثر دیگر در رشد خودپنداره به حساب می‌آید (حسن‌زاده، حسینی، مرادی ۱۳۸۴).

بدون شک خانواده یکی از متغیرهای اصلی در ایجاد خودپنداره در کودکان می‌باشد. خانواده مهم‌ترین رکن تشکیل دهنده جامعه است که خصوصیات فردی، اجتماعی، اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، توانمندی و اعتماد در آن رشد و پرورش می‌یابد. کارکرد خانواده نقش مهمی در ارتباط بین زوجین و همچنین شکل‌گیری خودپنداره کودکان دارد. عملکرد خانواده به توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تعارض‌ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده اطلاق می‌شود (مجرد کاهانی و قنبری هاشم آبادی، ۱۳۹۰). مارکوس بولوس، ماریا لیکاتا، بورخارد غنیوز، بیت سودیان^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان می‌دهند که خودپنداره تحصیلی کودکان با

1. negative self concept.

2. Bong, m & skalvik, e.m.

3. Markus, p & Maria, l & Burkhard, g & Beate, s.

عملکرد شناختی آنها پیش‌بینی می‌شود، در حالی که خودپنداره اجتماعی کودکان منحصر با حساسیت و عدم خصومت اولیه مادران پیش‌بینی می‌شود. ارزش کلی کودکان به افزایش حساسیت و ساختار مادرشان مربوط می‌شود.

پژوهش‌ها حاکی از ارتباط عملکرد خانواده و خودکارآمدی والدین با خودپنداره در نوجوانان می‌باشند (نجار، ۱۳۹۳). همچنین نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی و شادکامی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است (صالح زاده، فلاحی و رحیمی، ۱۳۹۵). بارانی، درخشان و اناری نژاد (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان می‌دهند که جو عاطفی خانواده از طریق خودپنداشت تحصیلی، پیش‌بینی‌کننده بی‌صداقتی تحصیلی است. در پژوهش دیگری بین عملکرد خانواده و خودپنداره نوجوانان سیگاری همبستگی معناداری وجود داشت و همبستگی بین خودپنداره و بعد پاسخ‌دهی عاطفی از سایر ابعاد عملکرد خانواده بیشتر بود (حسینی، بیات، یغمایی، حسین زاده و نصیری، ۱۳۹۲). با توجه به اهمیت نقش خودپنداره و عملکرد خانواده و از آنجایی که ارتباط عملکرد خانواده با خودپنداره کودکان مورد بررسی قرار نگرفته است، پژوهش حاضر در مرحله اول در صدد بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان می‌باشد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که رابطه نگرش مذهبی والدین و بهزیستی ذهنی، شادکامی و خودکارآمدی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است. خوشنویس و دژاکام (۱۳۹۷) رابطه معناداری بین جهت‌گیری مذهبی والدین و خودپنداره نوجوانان را نشان نمی‌دهند. اکبریان (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان می‌دهد که نگرش مذهبی با خودکارآمدی و شادکامی دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه معنادار دارد. توجه به اصول و اعتقادات دینی که در نگرش‌ها و رفتارهای والدین نمود پیدا می‌کند می‌تواند بر ایجاد یک خودپنداره مستحکم در کودکان که خلأ دینی و مذهبی در آن وجود ندارد، تأثیرگذار باشد. نوربخش و اویسی فردویی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار مذهبی نوجوانان در شهر تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که بین الگوهای عملگراییانه و اقتدار منطقی با مذهب‌داری جوانان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد و بین الگوی آزادگذاری با مذهب‌داری جوانان رابطه معنادار اما معکوس مشاهده شده است در نهایت بین الگوی استبدادی با مذهب‌داری جوانان رابطه معناداری مشاهده نشده است.

از آنجایی که مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند و برای

تقویت اجتماعی شدن به هم وابسته اند، پژوهشگران رابطه نزدیک این دو رو پیش‌بینی می‌کنند. این جهت‌گیری منجر به بیان عباراتی گردیده است که مذهب می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد (کال^۱ و هیتون^۲، ۱۹۹۷).

نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزش‌ها است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند. از سوی دیگر نگرش‌های افراد خانواده در مورد مذهب، استمرار و انتقال ارزش‌ها و رفتارهای مذهبی به نسل‌های دیگر را شکل می‌دهد. از این رو رابطه مذهب و خانواده را می‌توان یک رابطه اثرگذار و اثرپذیر در نظر گرفت. برای مثال این که افراد به ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر را، چگونه بر مبنای مذهب تفسیر می‌نمایند، تأثیر پذیری روابط زناشویی را مذهب را نشان می‌دهد (ماهونی^۳، ۲۰۰۵).

ابوتس، ویلیام، سوئیتینگ و وست^۴ (۲۰۰۴) در پژوهشی به بررسی رابطه مذهبی بودن با سلامت روان در میان کودکان اسکاتلندی پرداختند. در این پژوهش رابطه حضور هفتگی در مراسم مذهبی کلیسا با سلامت روان کودکان مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد، کودکانی که در مراسم‌های مذهبی حضور بیشتری داشتند، پرخاشگری کمتری از خود در موقعیت‌های خانه و مدرسه نشان می‌دادند، عزت نفس بالاتری داشتند و اضطراب و افسردگی کمتری در میان آنها گزارش شده بود. در پژوهش دیگری نشان داده شده است که روابط اعضای خانواده‌ها با میزان بزهکاری نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. هرچند بین نگرش‌های مذهبی نوجوانان با میزان بزهکاری آنان نیز رابطه معناداری یافت شد. این یافته‌ها نشان دهنده نقش نگرش‌های مذهبی خانواده در میزان بزهکاری نوجوانان است (طرفی، طرفی و کیا، ۱۳۹۶).

بر اساس مبانی نظری به نظر می‌رسد توجه به اصول و اعتقادات دینی که در نگرش‌ها و رفتارهای والدین نمود پیدا می‌کند، می‌تواند بر ایجاد یک خودپنداره مستحکم در کودک تأثیر گذار باشد. سؤال پژوهش حاضر این است که بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان

1. Call, v.r.a.

2. Heaton, t. b.

3. Mahoney.a.

4. Abbotts, J.E. Williams, R.G. Sweeting, H.N. West, P.B.

با توجه به نگرش مذهبی والدین چه رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا متغیر نگرش مذهبی اثر تعدیل‌کنندگی در رابطه بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان دارد؟

روش

روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است که برای بررسی مدل تعدیلی از معادلات رگرسیون سلسله مراتبی استفاده گردید.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم، پنجم و ششم مقطع ابتدایی شهر یزد و والدین آنها می‌باشند که در مدارس دولتی و غیر دولتی مشغول به تحصیل هستند. به منظور اطلاع از جامعه آماری، به واحد آمار اداره کل آموزش و پرورش استان یزد مراجعه گردید. حجم جامعه آماری ۳۷۰۰۰ نفر بوده که با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به منظور نمونه‌گیری استفاده گردید با توجه به محدودیت‌های موجود و به منظور نمونه‌گیری از هر یک از نواحی یک و دو آموزش و پرورش شهر یزد، دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه از طرف آموزش و پرورش ناحیه یک و دو انتخاب و معرفی شدند. سپس به مدارس ابتدایی پسرانه و دخترانه نواحی یک و دو یزد مراجعه گردید و از پایه‌های مذکور، متناسب به حجم نمونه، تعداد نمونه به صورت تصادفی انتخاب شد. از پایه چهارم ۱۲۸ نفر و از پایه‌های پنجم و ششم، هر کدام ۱۲۶ نفر انتخاب شدند. نیمی از آزمودنی‌ها پسر و نیمی دیگر دختر بودند. به منظور گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده گردید:

الف: مقیاس سنجش عملکرد خانواده (FAD)

این پرسشنامه برای سنجش عملکرد خانواده، توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاپ^۱ (۱۹۸۳) براساس الگوی مک مستر تدوین شده که ۶۰ گویه دارد. حل مسأله، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار، خرده‌مقیاس‌های آزمون را تشکیل و یک ارزیابی از عملکرد کلی نیز به دست می‌دهند (کیت نر، میلر و ریان^۲، ۱۹۹۶). پاسخ‌گویه‌ها به صورت کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم در نظر گرفته شده‌اند. در مطالعه سالاری، شاملو، هومن و پور شهباز (۱۳۸۱) همسانی درونی این نسخه با استفاده از آلفای کرونباخ و اعتبار باز آزمایشی بین ۰/۵۸ تا ۰/۸۵ و اعتبار باز آزمایشی آن بین ۰/۴۲ تا ۰/۷۸ است و

1. Epstein, N. B., Bishop, D. S. & Levin, S.

2. Keitner, G. I; Miller, I. W & Ryan, C. E.

همبستگی مقیاس‌ها با یکدیگر بین ۰/۴۰ تا ۰/۷۱ می‌باشد که تقریباً با نتایج مربوط به فرم اصلی آن همسان بوده است. بین خرده مقیاس‌های آزمون، آلفای ۰/۵۱ تا ۰/۹۴ و بین تمام خرده مقیاس‌ها و عملکرد کلی، همبستگی ۰/۴۷ تا ۰/۹۷ به دست آمد (زاده محمدی و ملک خسروی، ۱۳۸۵). این پرسشنامه توسط والدین تکمیل شده است.

ب: مقیاس خودپنداره کودکان پیرز و هریس (CSCS)

این پرسشنامه توسط پیرز و هریس^۱ در سال ۱۹۶۳ تهیه شده است این مقیاس جهت سنجش میزان خودپنداره کودکان و نوجوانان طرح‌ریزی شده است و در جهت نگرش و احساس فرد نسبت به خودش، خلاصه می‌شود. به بیان دیگر، خودپنداره‌ای که در این مقیاس سنجش می‌شود، به عنوان مجموعه نسبتاً ثابت نگرش فرد نسبت به خود، تعریف شده است. این پرسشنامه شامل ۸۰ سؤال است که سؤالات پرسشنامه به صورت گزارش شخصی درباره اینکه کودکان و نوجوانان درباره خودشان چه احساسی دارند، طرح‌ریزی شده‌اند. هر عبارت پرسشنامه به صورت دو بخشی بلی یا خیر طرح‌ریزی شده است. این مقیاس ۶ بعد دارد که عبارت‌اند از: (۱) رفتار؛ (۲) وضعیت مدرسه و وضعیت شناختی و ذهنی؛ (۳) ظاهر و ویژگی فیزیکی؛ (۴) اضطراب؛ (۵) جامعه‌پسندی (محبوبیت)؛ (۶) شادی و رضایت‌مندی (پیرز و هریس، ۱۹۶۳)

میلین^۲ (۱۹۹۶) بین آزمون خودپنداره پیرز و هریس و مقیاس محبوبیت اجتماعی کودکان همبستگی‌هایی بین ۰/۲۵ تا ۰/۴۵ به دست آورده است (به نقل از احمدی حکمتی‌کار، ۱۳۷۲). احمدی حکمتی‌کار (۱۳۷۲) در پژوهش خود پایایی را به روش آلفای کرونباخ برای دانش‌آموزان دختر اول راهنمایی ۰/۹۱، دختر دوم راهنمایی ۰/۹۴، دختر سوم راهنمایی ۰/۹۲، پسر اول راهنمایی ۰/۸۸، پسر دوم راهنمایی ۰/۹۳ و پسر سوم راهنمایی ۰/۹۰ به دست آورد. این پرسشنامه توسط کودک تکمیل گردید.

ج: پرسشنامه نگرش مذهبی

پرسشنامه سنجش نگرش مذهبی (مقیاس دین‌داری) توسط خدایاری فرد و همکاران در سال ۱۳۸۸ طی اجرای طرحی در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

1. Piers, E., & Harris, D.

2. Miline, E.

تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۴۰ سؤال و ۴ خرده‌مقیاس (شناخت دینی، باور دینی، گرایش و عواطف دینی و التزام به وظایف دینی) است که نگرش مذهبی را مورد سنجش قرار می‌دهد. سؤالات این پرسشنامه بر مبنای طیف لیکرت شش درجه‌ای نمره گذاری می‌شود که نمرات آزمودنی به هر سؤال بر روی یک مقیاس شش درجه‌ای لیکرت از همیشه = ۵ تا هرگز = ۰ مشخص می‌شود. دامنه نمرات این پرسشنامه بین ۴۰ تا ۲۰۰ در نوسان می‌باشد. شایان توضیح است که نمره بالا در هر یک از خرده‌مقیاس‌ها به معنای بالاتر بودن گرایش‌های دین‌داری گزارش شده است. به عبارتی هر چه نمره کل آزمودنی در این مقیاس بالاتر باشد، نشان‌دهنده میزان نگرش و باورهای بالای وی در خصوص اعتقادات دینی و مذهبی می‌باشد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸).

میزان آلفای کرونباخ برای فرم‌های موازی الف و ب به ترتیب ۰٫۹۷ و ۰٫۹۶ گزارش شده است. همچنین تحلیل عاملی اکتشافی حاکی از وجود ۴ عامل اصلی بود. همچنین همبستگی بالای هر یک از سؤالات با عامل مربوطه حاکی از همسانی درونی مناسب آزمون بوده است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸). این پرسشنامه توسط والدین تکمیل گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده گردید. از آماره‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی، درصد و غیره برای گزارش توصیفی نتایج پژوهش استفاده شده است. در قسمت آمار استنباطی از آزمون تحلیل همبستگی پیرسون و به منظور بررسی سهم هر متغیر در پیش‌بینی خودپنداره کودکان و همچنین بررسی نقش تعدیل‌کنندگی نگرش مذهبی از تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. در این روش ابتدا عملکرد خانواده به عنوان پیش‌بین در تحلیل قرار گرفت. در مرتبه بعد نگرش مذهبی وارد معادله شد و در مرتبه سوم نمرات تعاملی (هر نمره تعاملی حاصل ضرب نمره متغیر پیش‌بین در متغیر تعدیل‌کننده است) وارد معادله شد بدین ترتیب در صورتی که نمره تعاملی یک متغیر پیش‌بین بتواند در تبیین پراکندگی نمرات متغیر ملاک نقشی داشته باشد، آشکار می‌شود که متغیر تعدیل‌کننده توانسته است رابطه آن پیش‌بین با ملاک را تعدیل کند.

یافته‌ها

نتایج توصیفی نشان داد که میانگین سن پدران، مادران و دانش‌آموزان به ترتیب ۴۳٫۱۲، ۳۹٫۳۸ و ۱۱٫۲۱ سال می‌باشد. همچنین ۴۷٫۶ درصد آزمودنی‌ها (۱۸۱ نفر) پسر و ۵۲٫۴

درصد آنها (۱۹۹ نفر) دختر می باشند.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیرهای پژوهش

انحراف استاندارد (SD)	میانگین (M)	گروه	
۳۵,۹۴	۱۳۳,۸۸	پدران	عملکرد خانواده
۳۷,۱۲	۱۳۵,۶۱	مادران	
۱۶,۸۲	۱۰۱,۵۸	پدران	نگرش مذهبی
۱۷,۲۶	۱۰۲,۰۲	مادران	
۱۰,۲۸	۳۴,۰۱	کودکان	خودپنداره
۶,۶۴	۴۳,۱۲	پدران	سن
		مادران	
		کودکان	

نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش نشان داد که بین خودپنداره کودکان و نگرش مذهبی والدین همبستگی متوسط ($r = 0,48$) مثبت و معنادار می باشد ($P < 0,01$). همچنین بین خودپنداره کودکان و عملکرد خانواده همبستگی قوی ($r = 0,52$) وجود دارد که نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار می باشد ($P < 0,01$). نهایتاً نتایج جدول فوق نشان می دهد که ضریب همبستگی بین عملکرد خانواده و نگرش مذهبی والدین ($r = 0,75$) بوده که مثبت و معنادار است ($P < 0,01$).

جدول ۲- نتایج مربوط به همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش در کل آزمودنی ها

متغیرها		۱	۲	۳
۱	خودپنداره کودکان	۱		
۲	نگرش مذهبی	۰,۴۸**	۱	
۳	عملکرد خانواده	۰,۵۲**	۰,۷۵**	۱

نتایج همبستگی خرده مقیاس های متغیرهای پژوهش (جدول شماره ۳) نشان داد که بین شناخت دینی، باور دینی، گرایش و عواطف دینی با ابعاد خودپنداره شامل رفتار، وضعیت مدرسه، ظاهر و ویژگی فیزیکی، اضطراب، جامعه پسندی و شادی و رضایتمندی همبستگی

مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.05$). بین بعد التزام به وظایف دینی با ابعاد رفتار، جامعه پسندی و شادی و رضایتمندی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.05$).
 بین بعد حل مسأله با تمامی ابعاد خودپنداره به جز جامعه پسندی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.05$). بعد ارتباط تنها با بعد وضعیت مدرسه و توانایی های ذهنی دانش آموزان رابطه معنادار دارد ($P < 0.05$). بعد نقش ها با هیچ یک از ابعاد خودپنداره رابطه معنادار ندارد. بعد همراهی عاطفی با همه ابعاد خودپنداره به جز رفتار و شادی و رضایتمندی رابطه معنادار دارد ($P < 0.05$). بعد آمیزش عاطفی با همه ابعاد خودپنداره و بعد کنترل رفتار با همه ابعاد خودپنداره به جز وضعیت مدرسه رابطه معنادار دارد ($P < 0.05$).
 بین ابعاد عملکرد خانواده با ابعاد نگرش مذهبی رابطه معنادار یافت شد که بیشترین میزان ارتباط مربوط به ابعاد عملکرد خانواده شامل حل مسأله، ارتباط، نقش ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار با بعد التزام به وظایف دینی بود ($P < 0.05$).

جدول ۳- نتایج مربوط به همبستگی بین متغیرهای فرعی پژوهش در کل آزمودنی ها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
رفتار	۱															
وضعیت مدرسه	۰٫۵۲**	۱														
ظاهر و ویژگی فیزیکی	۰٫۴۷**	۰٫۴۶**	۱													
اضطراب	۰٫۳۶**	۰٫۵۱**	۰٫۵۵**	۱												
جامعه پسندی	۰٫۱۱*	۰٫۳۷**	۰٫۵۱**	۰٫۵۸**	۱											
شادی و رضایتمندی	۰٫۴۳**	۰٫۲۸**	۰٫۴۰**	۰٫۲۷**	۰٫۳۵**	۱										
شناخت دینی	۰٫۴۱**	۰٫۲۴**	۰٫۱۶**	۰٫۱۵**	۰٫۱۳*	۰٫۲۸**	۱									
باوردینی	۰٫۴۲**	۰٫۱۱*	۰٫۲۵**	۰٫۱۸**	۰٫۱۵**	۰٫۱۶**	۰٫۱۸**	۱								
گرایش و عواطف دینی	۰٫۴۶**	۰٫۲۴**	۰٫۲۵**	۰٫۲۱**	۰٫۱۷**	۰٫۱۱**	۰٫۲۲**	۰٫۴۳**	۱							
التزام به وظایف دینی	۰٫۳۵**	۰٫۰۴	۰٫۰۹	۰٫۰۷	۰٫۱۰*	۰٫۱۱*	۰٫۲۵**	۰٫۲۷**	۰٫۱۸**	۱						
حل مسأله	۰٫۱۳*	۰٫۱۳*	۰٫۱۳*	۰٫۱۱**	۰٫۰۵	۰٫۲۱**	۰٫۱۹**	۰٫۰۲	۰٫۰۳	۰٫۰۶**	۱					
ارتباط	۰٫۰۳	۰٫۰۳	۰٫۰۵*	۰٫۰۸	۰٫۰۲	۰٫۱۴**	۰٫۱۸**	۰٫۰۶	۰٫۰۶	۰٫۱۷**	۰٫۳۱*	۱				
نقش ها	۰٫۰۷	۰٫۰۹	۰٫۰۴	۰٫۰۹	۰٫۰۸	۰٫۰۹	۰٫۱۵**	۰٫۱۷**	۰٫۱۹**	۰٫۴۳**	۰٫۱۵*	۰٫۴۳**	۱			
همراهی عاطفی	۰٫۰۹	۰٫۱۴*	۰٫۲۰**	۰٫۲۲**	۰٫۲۳**	۰٫۰۱	۰٫۰۲	۰٫۳۱**	۰٫۲۴**	۰٫۱۷**	۰٫۲۳**	۰٫۳۳**	۰٫۲۱**	۱		
آمیزش عاطفی	۰٫۲۲**	۰٫۳۰**	۰٫۴۲**	۰٫۳۳**	۰٫۳۱**	۰٫۳۶**	۰٫۱۴**	۰٫۱۲*	۰٫۱۵*	۰٫۱۲*	۰٫۱۷**	۰٫۴۳**	۰٫۱۳*	۰٫۱۹**	۱	
کنترل رفتار	۰٫۱۵*	۰٫۰۸	۰٫۱۴*	۰٫۱۳*	۰٫۱۸**	۰٫۱۵**	۰٫۰۹	۰٫۰۸	۰٫۰۶	۰٫۰۸	۰٫۲۶**	۰٫۴۳**	۰٫۳۶	۰٫۴۱**	۰٫۴۸**	۱

جدول ۴- مشخصه‌های آماری مدل رگرسیون تأثیر عملکرد خانواده بر خودپنداره کودکان با توجه به نقش تعدیل گر نگرش مذهبی والدین

تحلیل رگرسیون					تحلیل واریانس		نوع تحلیل		
P	t			r ²	r	P	F	متغیر	مرحله
۰,۰۰۱	۱۱,۹۲	۰,۵۲	۰,۰۱	۰,۱۸	۰,۲۷	۰,۵۲	۱۴۱,۹۹	عملکرد خانواده	اول
۰,۰۰۱	۵,۵۲	۰,۳۶	۰,۰۲	۰,۱۲	۰,۲۹	۰,۵۴	۷۷,۸۲	عملکرد خانواده	دوم
۰,۰۰۱	۳,۱۹	۰,۲۱	۰,۰۵	۰,۱۵				نگرش مذهبی	
۰,۰۰۱	۳,۸۹	۱,۱۳	۰,۱۰	۰,۳۹	۰,۳۰	۰,۵۵	۵۵,۲۰	عملکرد خانواده	سوم
۰,۰۰۱	۳,۷۷	۰,۶۱	۰,۱۲	۰,۴۴				نگرش مذهبی	
۰,۰۰۷	۲,۷۱	۱,۱۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۲				عملکرد خانواده* نگرش مذهبی	

B = ضریب رگرسیون استاندارد نشده، SEB: خطای انحراف استاندارد رگرسیون Beta؛ ضریب رگرسیون استاندارد شده، t: آزمون تی، R: ضریب رگرسیون، R² = ضریب تعیین، P = معناداری
 گام اول: متغیر پیش بین: عملکرد خانواده. متغیر ملاک: خودپنداره کودکان
 گام دوم: متغیر پیش بین: عملکرد خانواده، نگرش مذهبی. متغیر ملاک: خودپنداره کودکان
 گام سوم: متغیر پیش بین: عملکرد خانواده، نگرش مذهبی، اثر تعاملی عملکرد خانواده* نگرش مذهبی. متغیر ملاک: خودپنداره کودکان

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان داد که در مرحله سوم، ضریب رگرسیون استاندارد شده بین عملکرد خانواده، نگرش مذهبی والدین و اثر تعاملی عملکرد خانواده و نگرش مذهبی والدین با خودپنداره کودکان به ترتیب ۱,۱۳، ۰,۶۱ و ۱,۱۱ می‌باشد (P > ۰,۰۱). همچنین در مرحله اول عملکرد خانواده ۲۷ درصد تغییرات خودپنداره کودکان را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله دوم با اضافه شدن متغیر نگرش مذهبی والدین، این مقدار با یک درصد افزایش به ۲۹ درصد رسیده است. نهایتاً در مرحله سوم با اضافه شدن اثر تعاملی عملکرد خانواده* نگرش مذهبی والدین، این مقدار به ۳۰ درصد رسیده است. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش

مبنی بر معنادار بودن اثر تعدیلی متغیر نگرش مذهبی والدین بر رابطه عملکرد خانواده با خودپنداره کودکان تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین عملکرد خانواده و خودپنداره کودکان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. این بدان معناست که با افزایش بهبودی عملکرد خانواده، میزان خودپنداره کودکان افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که ابعاد همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار به ترتیب بالاترین همبستگی را با ابعاد خودپنداره دارند. این یافته همسو با مطالعه نجار (۱۳۹۳) عامری و عمویی (۱۳۹۵) و دیباج نیا (۱۳۸۱)، حسینی و همکاران (۱۳۹۲) می‌باشد. جامعه آماری پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه بیشتر نوجوانان و دانشجویان می‌باشند اما در این پژوهش کنونی به دلیل شرایط خاص روان‌شناختی کودکان، نقش عملکرد خانواده بر خودپنداره کودکان مورد بررسی قرار گرفت. بدون شک خودپنداره در سنین نوجوانی در مقایسه با سنین کودک دارای تغییر و تحولات سریعی می‌باشد که شاید بتوان این تغییرات را به شرایط سنی و روانی اجتماعی حاکم بر این دوره نسبت داد تا به تغییرات موجود در خانواده.

از آنجا که نمونه پژوهش حاضر در سنین بین ۱۰ سال تا ۱۱ سال قرار دارند، از این رو اثرات عملکرد خانواده بر خودپنداره کودکان باید با توجه به شرایط سنی این دوره تبیین گردد. مهم‌ترین ویژگی سنی این دوره از دیدگاه اریکسون، کودکان ۱۱ ساله در مرحله کوشایی در برابر احساس حقارت قرار دارند این مرحله تقریباً از ۵ سالگی تا ۱۱ سالگی را در برمی‌گیرد. کودکان از طریق تعاملات اجتماعی شروع به رشد حس غرور نسبت به دستاوردها و توانایی‌های خود می‌کنند. کودکانی که توسط والدین یا معلمان تشویق و هدایت می‌شوند، حس کفایت، صلاحیت و اعتقاد به توانایی‌های خود در آن‌ها به وجود می‌آید. آن‌هایی که از سوی والدین، معلمان یا هم‌سن و سال‌های خود به قدر کافی مورد تشویق قرار نمی‌گیرند به توانایی خود برای موفقیت، شک خواهند کرد. بدون شک در خانواده‌ای که حل مسأله، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و توجه بدون قید و شرط به کودک وجود داشته باشد، خودپنداره مثبت شکل خواهد گرفت. در خانواده دارای عملکرد مناسب، کنترل بیش از حد و یا سخت‌گیرانه و از طرف دیگر سهل‌گیرانه بر روی رفتار کودک وجود ندارد. در این خانواده

کنترل انعطاف‌پذیر و متناسب با موقعیت وجود دارد که باعث ایجاد رشد خودپنداره مناسب را فراهم می‌سازد. یافته‌های مربوط به همبستگی میان خرده‌مقیاس‌ها نشان می‌دهد که عوامل عاطفی همچون همراهی عاطفی والدین با کودکان، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار به شیوه مقتدرانه می‌تواند منجر به افزایش خودپنداره کودکان گردد. بنابراین می‌توان به نقش عوامل عاطفی در کنار حل مسأله بر خودپنداره کودکان اشاره کرد.

همچنین همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های نگرش‌های مذهبی والدین و خودپنداره کودکان نشان می‌دهد که بین ابعاد نگرش مذهبی به ترتیب گرایش و باورهای دینی، باور دینی، شناخت دینی و نهایتاً التزام به وظایف دینی با ابعاد خودپنداره همبستگی مثبت و معنادار دارند. اگر چه پژوهش به بررسی نقش نگرش مذهبی والدین و خودپنداره کودکان نپرداخته است با این حال یافته‌های پژوهش طرفی و همکاران (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که نگرش مذهبی و عملکرد خانواده مناسب منجر به کاهش رفتارهای بزهکارانه کودکان می‌شود. اکبری‌ان (۱۳۹۵) در پژوهش خود در تبیین ارتباط مثبت بین نگرش مذهبی والدین و خودکارآمدی نوجوانان دختر بیان می‌کند که حضور و شرکت در امور مذهبی برای افراد حمایت اجتماعی ایجاد می‌کند و این خود بر خوشحالی و روحیه و خلق بالای افراد و موفقیت تحصیلی آنها اثر دارد. ضمن اینکه تجربه مذهبی و اعمال دینی موجب ایجاد احساس ارتباط اجتماعی فرد با خدا می‌شود. یافته‌های مربوط به خرده‌مقیاس‌ها نشان می‌دهد که عواطف دینی نقش پررنگ‌تری نسبت به التزام به وظایف دینی در خودپنداره کودکان دارد.

نهایتاً نتایج بررسی مدل تعدیلی نشان می‌دهد که عملکرد خانواده با داشتن نگرش مذهبی والدین نقش مثبتی بر خودپنداره کودکان دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تعامل عملکرد مناسب خانواده و همچنین نگرش مذهبی می‌تواند منجر به خودپنداره بالاتر در کودکان گردد. بنابراین این یافته را می‌توان از زوایای مختلف تبیین نمود. اول آنکه نگرش مذهبی مثبت والدین و به تبع آن نگرش مذهبی مثبت کودکان باعث ارتباط مناسب با «خدا» شده و در نتیجه خلأ روحی که در ابتدای نوجوانی و بلوغ نمایان می‌شود را پر کند. این امر می‌تواند نقش مهمی در ایجاد خودپنداره مثبت در کودکان داشته باشد. همچنین شرکت در مراسمات مذهبی و کسب حمایت اجتماعی نیز می‌تواند نقش مهمی در ایجاد خودپنداره اجتماعی مناسب در کودکان کمک کند.

در این راستا پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نگرش مذهبی والدین نقش مهمی در تربیت

دینی فرزندان به دنبال خواهد داشت (آقا محمدی، ۱۳۹۲). تأثیر مذهبی بودن والدین در شکل گیری خودپنداره مناسب در فرزندان را می توان از دو نظر مورد بررسی قرار داد. اول آنکه نگرش ها و عقاید و باورهای مذهبی والدین می تواند بر جنبه های شخصیت فرزندان تأثیر بگذارد و دوم آنکه رفتارهای متناسب با عقاید مذهبی والدین نقش مهمی در شکل گیری خودپنداره کودکان دارد.

محدود بودن نمونه پژوهش به کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال، طولانی بودن پرسشنامه های پژوهش و محدود بودن و باز نگشتن برخی پرسشنامه ها، عدم کنترل متغیرهای مداخله گر همچون وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده بر خودپنداره کودکان از جمله محدودیت های پژوهش حاضر بوده است.

با توجه به یافته های پژوهش پیشنهادات کاربردی همچون توجه به نقش عملکرد خانواده و نگرش های مذهبی خانواده در شکل گیری خودپنداره در کودکان در حیطه سلامت روانی کودکان، توجه به نقش نگرش مذهبی و عملکرد خانواده مادران در شکل گیری خودپنداره کودکان و توجه به ابعاد عملکرد خانواده همچون حل مسأله، نقش ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار در شکل گیری خودپنداره در کودکان پیشنهاد می گردد.

منابع

- آقامحمدی، جواد (۱۳۹۲)، بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان، *پژوهشنامه تربیت تبلیغی*، شماره ۲: ۱۲۶-۱۰۵.
- اکبریان، فرامرز (۱۳۹۵)، رابطه ی نگرش مذهبی با شادکامی و خودکارآمدی دانش آموزان دوره ی متوسطه. *روان شناسی مدرسه*، شماره ۵(۲)، ۷-۱۹.
- نوربخش، یونس و اویسی فردویی، قاسم (۱۳۹۶)، بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۱): ۲۳-۳۶.
- بارانی، حمید؛ درخشان، معراج و اناری نژاد، عباس (۱۳۹۸)، جو عاطفی خانواده و بی صداقتی تحصیلی: نقش واسطه ای خودپنداشت تحصیلی، *روان شناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۱۶(۶۱): ۹۷-۱۰۸.
- حسینی، میمنت؛ بیات، رویا؛ یغمایی، فریده؛ حسین زاده، صفیه و نصیری، نویده (۱۳۹۲)، بررسی میزان همبستگی ابعاد عملکرد خانواده و خودپنداره نوجوانان پسر سیگاری شهر زنجان، *مدیریت ارتقای سلامت*، ۴(۴): ۶۸-۶۱.
- خوشنویس، الهه و دژاکام، فاطمه (۱۳۹۷)، رابطه جهت گیری مذهبی والدین و سبک فرزند پروری آنان با بهزیستی ذهنی فرزندان، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، شماره ۲۲(۷۵)، ص ۲۶۰-۲۴۱.
- خدایاری فرد، محمد؛ سماواتی، سیما و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۸)، آماده سازی مقیاس دین داری برای

- جمعیت دانش آموزی، **اندیشه های نوین تربیتی**، شماره ۵، ص ۱۲۸-۱۰۷.
- دیباج نیا، پروین (۱۳۸۳)، بررسی رابطه کارآیی خانواده و خودپنداره در دانشجویان دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی طی سال ۱۳۸۱، **پژوهنده**، شماره ۹ (۴)، ص ۹-۱۵.
 - زاده محمدی، علی و ملک خسروی، غفار (۱۳۸۵)، بررسی مقدماتی ویژگی های روان سنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش کارکرد خانواده (FAD)، **خانواده پژوهی**، ۲ (۵): ۶۹-۸۹.
 - سالاری، راضیه السادات؛ شاملو، سعید؛ هومن، حیدرعلی و پورشهباز، عباس (۱۳۸۱)، مقایسه کارکرد خانواده در نوجوانان افسرده و بهنجار، **کنگره روان شناسی ایران**، تهران.
 - شعاع کاظمی، مهرانگیز و مؤمنی جاوید، مهرآور (۱۳۸۷)، مقایسه خودپنداره دانشجویان ایرانی و افغانی، **مجله مطالعات روان شناسی تربیتی**، شماره ۵ (۸)، ص ۵۷.
 - صالح زاده، مریم؛ فلاحی، معصومه و رحیمی، مهدی (۱۳۹۵)، نقش عملکرد خانواده، دل بستگی به همسالان و عملکرد تحصیلی در پیش بینی شادکامی دختران نوجوان، **پژوهش نامه روان شناسی مثبت**، شماره ۲ (۴)، ص ۷۸-۶۴.
 - طرفی، فاطمه؛ طرفی، سعید و کیا، پارسا (۱۳۹۶)، ارتباط نگرش های مذهبی و عملکرد خانواده در میزان بزهکاری نوجوانان، **دومین کنگره بین المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی**.
 - عامری، فریده و عمویی، ناهید (۱۳۹۵)، نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی نوجوانان، **فصلنامه خانواده و پژوهش**، شماره ۳، ص ۹۱-۷۷.
 - مجرد کاهانی، امیر حسین و قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی (۱۳۹۰)، ارزیابی اثر بخشی مداخلات آموزشی روانی گروهی بر عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلالات خلقی، **فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده**، شماره ۱ (۳)، ص ۴۱۲-۳۹۹.
 - نجار، زهرا (۱۳۹۳)، رابطه بین عملکرد خانواده و خودکارآمدی با خودپنداره دانش آموزان، **کنفرانس بین المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری**، تهران.
- Abbotts JE, Williams RG, Sweeting HN, West PB(2004), Is going to church good or bad for you? Denomination, attendance and mental health of children in West Scotland. **Social Science & Medicine**, 58(3):645-56
 - Bong, M., & Skaalvik, E.M. (2003), Academic self-concept and self-efficacy: how different are they really? **Educational Psychology Review**, 15(1):1-40
 - Call, V. R. A., & Heaton, T. B. (1997), Religious influence on marital stability, **Journal for the Scientific Study of Religion**, 36, 382-392.
 - Epstein, N. B., Bishop, D. S. & Levin, S.,(1978),The McMaster Model of Family Functioning, **Journal of Marital and Family Therapy**, 4(4):19-31.
 - Keitner, G. I; Miller, I. W & Ryan, C. E. (1996), **Mood disorder and the family**: In F. W. Kaslow (Ed.) Handbook of relational diagnosis and dysfunction family patterns, New York:

Wiley. (overview. American Journal of Psychiatry. 435).

- Mahoney, A. (2005), Religion and conflict in marital and parent child relationship. *Journal of Social Issues*, 61(4), 689–706.
- Piers, E., & Harris, D. (1963), *Children's Self Concept Scale. Recordings and Tests*.

